

بلاروس: وضع موجود به چه قیمتی؟

استرید سام

الکساندر لوکاشنکو، فرمانروای خودکامه، پس از 26 سال حکمرانی پشتیبانی مردم بلاروس را از دست داده است. حتی اگر رژیم بتواند بر سر کار بماند، بهای گزافی برای تحمیل ظالمانه‌ی وضع موجود پرداخت [Osteruropa] «خواهد کرد. استرید سام، کارشناس اهل بلاروس، در مصاحبه با نشریه‌ی «شرق اروپا» درباره‌ی رویدادهای جاری و آنچه بعد از این روی خواهد داد سخن می‌گوید.

شرق اروپا: رژیم بلاروس آشکارا حق تغییر حکومت از طریق انتخابات را از شهروندان خود سلب می‌کند. رویدادهای جاری برای ما چه پیامی دارند؟

استرید سام: لوکاشنکو نشان می‌دهد که او و دستگاه حکومتش آماده‌اند برای ماندن در حکومت و کنترل کشور هر بهایی را بپردازند و تا هر جا که باشد پیش بروند. نتیجه‌ی رسمی انتخابات، که لوکاشنکو را با بیش از 80 درصد آراء برنده اعلان کرد، حاکی از آن است که او قصد ایجاد روابط حسنه با مخالفان سیاسی‌اش را ندارد. در غیر این صورت، با مثلاً 58 درصد از آراء هم خوشنود می‌ماند. ادعای او مبنی بر اینکه اعتراضات از خارج از کشور هدایت می‌شود انکار قابلیت شهروندان بلاروس برای اندیشه یا اقدام مستقل است.

از نتیجه‌ی این انتخابات رسمی چه چیز دستگیرمان می‌شود؟

معلوم است که تعداد زیادی حوزه‌ی رأی‌گیری وجود داشت که نتیجه‌ی واقعی در آنها به طور معناداری با اطلاعات داده شده توسط کمیسیون مرکزی انتخابات فرق داشت. در روز پس از انتخابات، نامزد مخالفان، سوتلانا تیخانوفسکایا، ادعا کرد که دست‌کم در 250 حوزه - در برخی حوزه‌ها با اختلافی بارز - برنده بوده است. اما ساده‌لوحانه است که تصور کنیم لوکاشنکو با بازشماری آراء در سرتاسر کشور یا انتخابات مجدد موافقت می‌کند یا با ستاد تیخانوفسکایا مذاکره می‌کند. به همین ترتیب، به احتمال زیاد دادگاه‌ها هم شکایت‌های متعدد رأی‌دهندگان و ناظران مستقل انتخابات را رد خواهند کرد.

چه چیز در شب انتخابات و روز بعد باعث آغاز خشونت شد؟

اعتراضات خیابانی در شب انتخابات قطعاً خواست تیخانوفسکایا نبوده است. در طول کارزار انتخاباتی، گروه او کاملاً متعهد بودند که از نقض هر قانون یا مقرراتی اجتناب ورزند. برای مثال، در روز 6 اوت، او برنامه‌ی کارزار انتخاباتی در مینسک را لغو کرد زیرا مدیریت شهری کنسرتی را در همان محل برنامه‌ریزی کرده بود. قرار نبود که هیچ‌گونه شدت عملی صورت گیرد. به جای آن، تیخانوفسکایا از حامیانش خواسته بود که با استفاده از فنون آی‌تی و با زدن بازوبندهای سفید و تا کردن برگه‌های رأی‌گیری مانند آکاردئون توجه را به تقلب احتمالی رأی‌دهندگان جلب کنند، و به مسئولان شکایت کنند.

او همچنین قویاً به نیروهای امنیتی و نمایندگان دولتی گفته بود که اگر در انتخابات برنده شود، هر مأموری که جرمی مرتکب نشده باشد بر سر کار خواهد ماند. به هنگام راهپیمایی، او مرتباً از پلیس به خاطر تضمین امنیت شرکت‌کنندگان تشکر می‌کرد و به آن‌ها سفارش می‌کرد که بر ضد مردم کشور خود تا زمانی که با آرامش و صلح اعتراض می‌کنند اقدامی انجام ندهند. او بدین ترتیب پیام روشنی فرستاد مبنی بر اینکه نبوده بلکه خود لوکاشنکو آن‌ها را ترغیب کرده (Plošča) خواستار تظاهرات در میدان استقلال مینسک است. با این همه، راهبرد ستاد او که توسل به وجدان نیروهای امنیتی بود تا کنون شکست خورده است.

بسیج غیرعادی قبل از انتخابات چگونه رخ داد؟

جامعه‌ی بلاروس در سال‌های اخیر تغییرات مهمی را از سر گذرانده است. نوعی فرهنگ جدید اعتراض ظهور کرده است. در سال 2017، اعتراضات سراسری بر ضد آن‌چه «مالیات انگل‌های اجتماعی» نامیده می‌شد صورت گرفت. مردم پیروز شدند و مسئولان حکومت نقشه‌های خود را برای وضع مالیات بر شهروندانی که در سنین کار کردن هستند و سهمی برای بیمه‌های اجتماعی نمی‌پردازند و به عنوان بیکار ثبت نشده‌اند کنار گذاشتند. مردم در برست چند سال بر ضد تأسیس یک کارخانه‌ی باتری‌سازی اعتراض کردند. آن‌ها موفق شدند که ساختن کارخانه را موقتاً متوقف کنند. در ژوئن 2020، لوکاشنکو نشستی با حضور کنشگران برست تشکیل داد و وعده‌ی ارزیابی محیطی جدید و برگزاری همه‌پرسی محلی را داد. اقدام ابتکاری «مادران 328»، برنامه‌ای حمایتی برای جوانانی که به علت حمل مواد مخدر طبق ماده‌ی 328 قانون مجازات عمومی به حبسی طولانی محکوم می‌شدند، توانست حداقل محکومیت را دو سال کاهش دهد.

هر چند قوانین مربوط به مشارکت اجتماعی و اعمال حقوق اساسی به نوعی بازدارنده است اما تظاهرکنندگان، روزنامه‌نویسان مستقل و سیاستمداران مخالف سال گذشته فقط در مواردی استثنایی زندانی شدند. به جای آن، جرمه‌هایی تحمیل شد. در کل، دولت خود را به نحو فزاینده‌ای آماده برای گفتگو نشان می‌داد: صدای مردم بیشتر شنیده می‌شد، پیش‌نویس‌های قوانین برای بحث و گفتگو در گردش بود، و

کارشناسانی از جامعه‌ی مدنی در توسعه‌ی راهبردها و برنامه‌های دولتی مشارکت داشتند. این حال و هوای رهایی‌بخش، امید به اصلاحات بیشتر را بیدار و اعتماد جامعه به توانایی‌های خود را تقویت کرد.

چه موقع این امیدها بر باد رفت؟

در مارس 2020. طرز برخورد لوکاشنکو با همه‌گیری کووید-19 بسیاری از مردم بلاروس را منقلب کرد. او خطر این ویروس را دست‌کم گرفت و پس از نخستین مرگ و میرها دلسوزی نشان نداد. این امر به از بین رفتن اعتماد مردم به او، حتی در میان طرفدارانش، منجر شد. عامل دیگر احتمالاً این واقعیت بود که تمام سفرهای خارجی، از جمله سفر به کشورهای همسایه و هر جایی در اتحادیه‌ی اروپا، ناگهان غیرممکن شد. بسیاری از مردم که پیش از این خود را از سیاست کنار کشیده بودند اکنون راهی برای پرهیز از آن نداشتند و شروع به اقداماتی برای تغییر در کشور خود کردند.

این مردم اعتراض خود را به این که توسط دولتی مردسالار تحت کنترل و مراقبت قرار گیرند به گوش می‌رسانند. آن‌ها می‌خواهند حقوق قانونی خود را برای مشارکت سیاسی در واقعیت و بدون ترس به کار گیرند. و با توجه به رکود اقتصادی آشکار، به دنبال چشم‌انداز آینده‌ای جدید هستند. امروز، مردم بلاروس تمایل دارند به جای اوکراین یا روسیه خود را با دولت‌های عضو اتحادیه‌ی اروپا مثل لهستان، لیتوانی و لاتویا مقایسه کنند. مردم ما همه می‌دانند که رفاه نسبی اقتصادی کشور و نظام بیمه‌های اجتماعی عمدتاً به سبب یارانه و کمک‌های مالی روسیه است، و بنابراین همواره در مخاطره قرار دارد.

چرا لوکاشنکو این راهبرد را برای مقابله با همه‌گیری کووید-19 برگزید؟

به سبب موقعیت اقتصادی و روابط نزدیک بلاروس با روسیه، علاقه‌ی اصلی لوکاشنکو پرهیز از محدودسازی و توقف چرخه‌ی اقتصادی کشور بود. در عین حال، به نظر می‌رسد که او غرابیت و خطر کووید-19 را به درستی درک نکرده بود. او به واکنش دیگر کشورها و شهروندان بلاروس توجه نکرد و آن‌ها را «روان‌پریشی» خواند و از بر هم زدن برنامه‌های مهم در کشورش خودداری کرد و به احتیاطات لازم وقعی نگذاشت. او هرگز ماسک‌به‌صورت در جایی ظاهر نشد. با این همه، لوکاشنکو می‌توانست با این همه‌گیری به شیوه‌هایی مبارزه کند که بی‌جهت به اقتصاد کشور لطمه‌ای وارد نیاورد. او می‌توانست، مانند ترکیه، در تعطیلات آخر هفته‌ها محدودیت رفت و آمد را اعمال کند؛ او می‌توانست مراسم مذهبی کلیسا را برای عید پاک حذف کند. بحران اقتصادی جهانی که بر اثر این همه‌گیری به پا شده بود به او فرصت داد تا بتواند توجه را از علل داخلی مشکلات اقتصادی کشورش منحرف کند. اما او از این فرصت بهره‌ای نبرد.

این نخستین بار بود که رژیم به سرکوب نامزدهای مخالفان پیش از انتخابات متوسل شد. امکان فعالیت در کارزار انتخاباتی و نظارت بر انتخابات هم با شدت بیشتری نسبت به موقعیت‌های پیشین محدود شده بود. چرا؟

در انتخابات 2015، اکثر مردم بلاروس لوکاشنکو را ضامن ثبات و امنیت می‌دانستند. این یک سال بعد از الحاق کریمه به روسیه بود، که در شرق اوکراین جنگ به پا کرده بود. در آن زمان، او اصلاحات معتدلی را در دستور کار داشت. لوکاشنکو فرصت داشت که نقش خود را به عنوان رهبر دولت از نو تعریف کند و در بدو امر به نظر می‌رسید که از این فرصت استفاده می‌کند. اما در انتخابات پارلمان در نوامبر 2019، حتی یک نامزد مستقل هم انتخاب نشد؛ مدت کوتاهی نگذشته بود که او کارکنان تشکیلات اداری ریاست جمهوری‌اش را تغییر داد. در این هنگام بود که نفوذ فزاینده‌ی نیروهای امنیتی نمایان شد. با وجود این، همه‌ی این‌ها همچنان اساساً واکنشی به افزایش تنش‌ها با روسیه تلقی می‌شد.

در اوایل سال 2020، دستگاه دولت چنین تصور می‌کرد که لوکاشنکو ضامن استقلال دولت بلاروس تلقی می‌شود و پیروزی او در انتخابات قطعی است. بسیج اجتماعی که بر اثر همه‌گیری کووید-19 به کار افتاد آشکارا رژیم را به‌تازده کرد. رژیم به یاد داشت که چگونه، در سال 2010، ابتدا از سرکوب فراخوان در روز انتخابات سرباز زده بود. متعاقباً «(Plošča) نامزدهای رقیب برای تظاهرات» در میدان استقلال آن، خشونت پلیس و دستگیری چند تن از نامزدهای ریاست جمهوری موجب تحریم‌هایی از جانب اتحادیه‌ی اروپا و دیگر دولت‌های غربی شد. این بار هم، رژیم آشکارا تصمیم گرفت که رقبای اصلی را در همان آغاز دستگیر کند. احتمالاً رژیم چنین محاسبه کرده بود که با جلوگیری از تشدید اوضاع، روابط با غرب بدون تغییر باقی می‌ماند.

و این استراتژی شکست خورد...

بله. در ماه‌های اخیر، لوکاشنکو و دستگاه ریاست او نشان داده است که نمی‌تواند برنامه‌ی مثبتی ارائه دهد و حمایت رأی‌دهندگان را به دست آورد. به جای آن، به طور تقریباً انحصاری بر تهدید و ارباب و سرکوب متکی بوده است. رژیم همچنین ترس و وحشت بازگشت به وضعیتی را برانگیخته است که مردم از آشوب و هرج و مرج اواسط دهه‌ی 1990 و مداخله‌ی روسیه و از دست رفتن استقلال ملی به یاد دارند. لوکاشنکو به جای آن که در صدد گفتگوی مستقیم با مخالفان و رقبایش برآید عمدتاً به اعضای بلندپایه‌ی دولت و نیروهای امنیتی روی آورد. این امر مانع از آن شد که بر موفقیت‌های سیاسی واقعی سال‌های اخیر در میان رأی‌دهندگانی که امید به تغییر داشتند سرمایه‌گذاری کند.

در طول کارزار انتخاباتی، تصویر او تصویر رئیس‌جمهوری بود که در گذشته گیر افتاده است. تدارکاتی که برای انتخابات صورت گرفت بیشتر شبیه نوعی بسیج نظامی از آب درآمد. کمیسیون مرکزی انتخابات حتی

تلاش نکرد تا انتخابات آزادانه و منصفانه به نظر رسد، و در عوض محدودیت‌های حتی سنگین‌تری نسبت به مواقع پیشین بر ناظران مستقل گذاشت. کنترل سرایت همه‌گیری کووید-19، بیشتر از هر چیز دیگر، دستاویزی شد برای دولت که از نظارت بر انتخابات مستقل در حوزه‌های رأی‌گیری ممانعت به عمل آورد. این ماجرا پس از آن رخ داد که لوکاشنکو پیروزی بر همه‌گیری کووید-19 را اعلام کرده بود.

در خور توجه است که سه زن خود را در رأس اتحاد مخالفان قرار دادند. چطور چنین چیزی روی داد؟

اینکه سه زن کارزار نخستین اتحاد مخالفان را در مدتی طولانی هدایت کرده‌اند به علت عوامل گوناگون و بعضاً تصادفی است، عواملی که دولت مسئولیت مهمی در قبال آن‌ها دارد. اگر کمیسیون مرکزی انتخابات از ثبت نام والری تسپکالو در مقام نامزد ریاست جمهوری به همراه سوتلانا تیخانوفسکایا خودداری نکرده بود، این اتحاد چه بسا پدید نمی‌آمد. یکی از دیگر عوامل اصلی، این سخنان مکرر لوکاشنکو بود که می‌گفت قانون اساسی بلاروس، با قدرت زیادی که به رئیس‌جمهور می‌دهد، برای زنان برنامه‌ریزی نشده است، و بنابراین زنان نمی‌توانند رهبر منتخب حکومت شوند. این نگرش مردسالارانه در دستگاه دولتی بلاروس متداول است. بر همین اساس، رژیم معمولاً از سرکوب شدید زنان امتناع کرده است. این یکی دیگر از دلایل تشکیل نوعی اتحاد زنانه است.

تیخانوفسکایا چگونه خود را معرفی کرده است؟

در نظر نخست، او الگوی کلاسیک را دنبال کرده است: یک زن خانه‌دار عادی که ترجیح می‌داد برای خانواده‌اش آشپزی کند، و فقط به خاطر عشق به همسر زندانی‌اش کارزار انتخاباتی را رهبری کرده است. این وعده‌ی او که در عرض شش ماه انتخابات آزاد و منصفانه‌ای برگزار خواهد کرد دالّ بر این است که خواهان قدرت شخصی نیست و خود را یک نامزد انتقالی می‌داند. این به رأی‌دهندگان اردوهای سیاسی بسیار متفاوتی که به امید تغییر سیاسی هستند امکان داد تا با او احساس نزدیکی کنند. در عین حال، مخصوصاً متحدان کارزار انتخاباتی او ماریا کولسنیکووا و ورونیکا تسپکالو تأکید کردند که از نظر آن‌ها این اقدام به برابری سیاسی برای زنان مربوط است. تقویت برنامه‌های فمینیستی در بلاروس می‌تواند یکی از پیامدهای اصلی این انتخابات ریاست جمهوری، فارغ از نتیجه‌ی نهایی آن، باشد.

در هفته‌ها و ماه‌های پیش رو اوضاع چگونه خواهد شد؟

اکنون اوضاع غیرقابل‌پیش‌بینی است. اگر دولت و دستگاه امنیتی وحدت خود را حفظ کنند، اعتراضات دیر یا زود احتمالاً بدون موفقیت پایان خواهد یافت. با وجود این، مسئله این است که رژیم بلاروس چه بهایی را برای حفظ ظالمانه‌ی وضع موجود خواهد پرداخت. تجدید حیات اقتصادی ضروری است اما این امر در

جامعه‌ای مایوس و با دوقطب مخالف به سختی امکان‌پذیر است - به‌ویژه چون اعتراضات به مینسک محدود نمی‌شود بلکه سراسر کشور را فرا گرفته است. در مورد سیاست خارجی، رژیم جای زیادی برای مانور دادن ندارد. در آینده‌ی نه چندان دور، لوکاشنکو احتمالاً مجبور خواهد شد که پیشنهاد مسکو را برای الحاق بپذیرد. بنابراین، هنوز کاملاً غیرممکن نیست که نیروهایی در درون رژیم با هم ائتلاف کنند تا موجب تغییری در مسیر جریان‌ات سیاسی شوند. با وجود این، نباید از یاد برد که این مخالفت چشم‌انداز راهبردی مشترکی ندارد برای آنچه بعد از این می‌آید. ماریا کولسنیکووا، رئیس ستاد دفاع از ویکتور باباریکای زندانی‌شده، مکرراً گفته است که تیم او تاب و توان آن را دارد که برای تغییری درازمدت تلاش کند. اما دو تن از سه رهبر مخالف که هر سه زن‌اند - سوتلانا تیخانوفسکایا و ورونیکا تسپکالو - برای جلوگیری از بازداشت کشور را ترک کرده‌اند. اهداف مخالفان که تا کنون بیان شده است، مثل تأسیس حزب یا برگزاری همه‌پرسی درباره‌ی بازگشت به قانون اساسی 1994، بسیار مبهم بوده و امید موفقیت‌اش کم است - مخصوصاً به این علت که قانون اساسی پیشین منسوخ و از اعتبار ساقط است. اما با توجه به پویایی‌های جاری، ابتکارات بدیعی را می‌توان انتظار داشت.

واکنش اتحادیه‌ی اروپا چگونه باید باشد؟

مشکل اتحادیه‌ی اروپا این است که عملاً ابزاری جز اعلامیه و تحریم ندارد. به‌رغم برقراری تدریجی روابط دوستانه در سال‌های اخیر، حمایت مالی از بلاروس در سطحی نسبتاً پایین بوده است. هر کاهش و کاستنی در اینجا در وهله‌ی نخست به ضرر جامعه‌ی مدنی و مردم نواحی روستایی است. ثابت شده است که تحریم‌ها هم تأثیری ندارد. با این همه، دستگیری‌های سیاسی در چند روز اخیر گزینه‌ی دیگری غیر از وضع مجدد تحریم‌ها برای اتحادیه‌ی اروپا باقی نگذاشته است. در هر حال، اتحادیه‌ی اروپا باید روابط رسمی را به شدت محدود کند.

مسائل اصلی و مهم برای بلاروس این‌هاست: کدام کنشگران سیاسی می‌توانند تلاش کنند تا از میزان حاد بودن موقعیت کنونی کاسته شود، چگونه می‌توان احترام واقعی به حقوق اساسی را تضمین کرد، و چگونه می‌توان دوقطبی شدن کنونی کشور را برطرف کرد؟ در نهایت، اصلاحاتی که بخش‌های بزرگی از مردم بلاروس خواهان آن‌اند فقط از رهگذر روابط سازنده میان دولت و جامعه ممکن است. بنابراین، اتحادیه‌ی اروپا باید به این کشور و شهروندان‌اش بیشتر توجه کند، و به دخالت کوتاه‌مدت و نمادین رضایت ندهد.

برگردان: افسانه دادگر

استرید سام کارشناس علوم سیاسی است. آن‌چه خواندید برگردان این نوشته با عنوان اصلی زیر است:

Astrid Sahm, 'Belarus: Status quo at what price?', Eurozine, 13 August 2020.

ازسایت آسو